

پاسخ به مزخرفات دین ستیزانه احمد شاملو

گروه ۲: پاسخ های مربوط به حقانیت اصل ادیان آسمانی

شماره: ۳

نوع پاسخ: نوشتاری و صوتی

تاریخ ثبت: دوازدهم اسفند ماه هزار و چهارصد

سؤال:

در مورد این سخنان معروف شاعر قرن چهاردهم، احمد شاملو چه میگویید؟

او پس از آنکه مدعی می شود مذهب و دین ساخته آدم است ولی مذهب و دین آدم را نساخته است، باز در جهت انکار پیامبران و خدای یکتا میگوید:

«معجزه نوح، موسی، ابراهیم و محمد تکرار نشد و داستانهایش را تنها شنیدیم، اما معجزه نیروی خرد و اندیشه را هر روز در پیشرفت آدمها می بینیم...»

پس تصمیم با شماست ... خدا را در خود پیدا کنید» ...

او سپس انسانیت را بر همه ادیان ترجیح داده و میگوید:

«نخستین مذهب آدم، آدمیت بود و نخستین و کاملترین کتابش، نیروی اندیشیدن...»

دنیا بسیار زیباتر میشد اگر انسانها بجای دین به انسانیت معتقد بودند...

انسانیت چیز است و رای همه ادیان ... انسانیت مهربانیست و نماز و دعا و روزه ندارد!

انسانیت گاهی یک لبخندست که به کودک غمگینی هدیه میکنید ...»

پاسخ نوشتاری:

واقعا انطباق واژه مزخرفات که به معنای یاوه ها و دروغ هایی است که همچون سخنان راست و حقیقت آراسته شده و جلوه داده شده اند؛ برای چنین سخنانی، عجب انطباق نغزی است.

و عجب هنگام پرده برداری از آن، همچون نقاب برداری از عفریتی که نقاب انسانیت به چهره زده است، چهره کریه آن رونمایی می شود. و اما آنچه که نقاب مزین را از چهره کریه این سخنان بر می دارد، از جمله عبارت است از:

الف- طبق عبارت بعدی اش، واضح است که نوک حمله او به ادیان آسمانی و پیامبران الهی است، و او دینی را که خداوند خالق بشر برای هدایت و سعادت او وضع نموده است، ساخته دست بشر اعلام نموده و آن را ناکارآمد در ساخت و هدایت انسان جلوه می دهد؛ و مانند آن است که تلاش کنی تا فرزندی را با تزویر و فریب از خانواده سالم و نیکویش بری نمایی، و او را به فرار از خانه و انواع فساد بکشانی.

ب- و اینکه ادعا می کند که دین و مذهب انسان را نساخته است، در مورد ادیان حقه الهی دروغی آشکار و زشت است که با اندک بررسی واضح می شود. که به عنوان مثال می توان از مقایسه عرب جاهلیتی که دختران را زنده به گور می کردند در قبل از بعثت پیامبر اسلام و بعد از آن، شناخت این دروغ بی پروا را به دست آورد.

ج- او در جهت پراکنده کردن مردم از گرد منجیان فرستاده شده از جانب خالق هستی، و سوق دادن آنها به سوی هلاکت، حقانیت معجزات پیامبران الهی را به تردید می کشاند، و چنین القا می کند که از معجزات آنها اکنون جز نقل جریان، خبر دیگری نیست؛ در حالی که:

اولا: نقل جریانات و اتفاقات گذشته توسط عموم و یا افراد مورد وثوق، همواره برای بشر قابل اعتماد و مبنای بسیاری از امور بوده است.

ثانیا: همانطور که در جوابیه شماره ۲، مربوط به همین گروه در رابطه با باطل بودن این ادعا که با کشف دوربین معجزات متوقف شده است، ذکر شد؛ هم معجزه قرآن پایدار و غیر وابسته به زمان است؛ و هم مانند کشف فسیل کشتی نوح در ارتفاعات، علاوه بر نقل، حقانیت معجزات در همین زمان نیز آشکار می گردد؛ و هم هنوز امروزه معجزاتی در رابطه با پیامبران و جانشینان بر حقتشان اتفاق می افتد.

د- این هم که برای عادی جلوه دادن معجزات، مزورانه خرد و اندیشه را معجزه گر اعلام می کند؛ و از این طریق باز پای خویش را در انکار حقایق فراتر می گذارد و گستاخانه دعوت به جستجوی خداوند در خود، یعنی دعوت به خود پرستی به جای خدا پرستی می نماید؛ باز یاوه زینت داده شده ای بیش نیست، چرا که:

اولا: معجزه، یعنی چیزی که همگان را از اینکه بتوانند مانند آن را انجام دهند عاجز می کند و ابزار انجام آن در دست شان نیست؛ در حالی که فکر و اندیشه را خداوند با سطوح مختلف به عموم انسان ها عطا فرموده است.

ثانیا: اگر منظور او از معجزه گری فکر و اندیشه، اختراعات و اکتشافات امروزی است، اینها چگونه معجزاتی هستند که هم به محض کشف و اختراع بسیاری از افراد قادر بر انجام و ساخت مانند آن می شوند، و هم بسیاری از آنها در نهایت به ضرر بشریتند.

ثالثا: برعکس استدلال واژگون او، وجود فکر و اندیشه خلاق در انسان، خود دال بر آن است که خالق مدبری این فکر و اندیشه را بر اساس حکمت به بشر عنایت فرموده و از سایر حیوانات بازداشته است.

ه- و این هم که در پشت سخنانش بندگان خداوند را به سمت بی دینی و جدایی از رشد و هدایت شان سوق می دهد، و در ظاهر واژه پردازی می نماید، و آدمیت و انسانیت را مهربانی و از جمله لبخند به کودک غمگین معرفی می کند، و آن را در مقابل عبادت و نماز و دعا و روزه قرار می دهد، باز مکرری بیش نیست؛ چرا که این موارد با کاربردهای صحیح شان از جمله امور حتمی ای هستند که در متن مکتب وحی گنجانده شده است و بخش عمده ای از آن را تشکیل می دهد. و عبادت ها علاوه بر سایر فوایدشان شخص را به سمت انجام این قبیل اعمال خیر نیز سوق می دهند و هرگز در مقابل آن قرار ندارند. و بر عکس انجام این قبیل امور بدون ایده دینی بسیار کمیاب است. پس واضح می شود که دین ستیزان و شاملوها، برای همانند سازی و بیرون کشیدن دین داران و مؤمنین از حقانیتی که در آن هستند، ممکن است از توانمندی خویش در سخن پردازی و بازی با واژه های زیبا و موجه استفاده کنند؛ ولی بدون شک پشت این واژه پردازی ها چیزی جز تلاش برای خارج کردن بندگان خداوند از راه رشد و هدایت به سوی انحطاط و هلاکت مشاهده نمی شود.